

علل از هم گسیختگی خانواده در شهر همدان

دکتر اکرم محمدی

چکیده:

خانواده از نخستین نهادهای بشری و مرکز آموزش نقشهای اجتماعی و تامین نیازهای عاطفی است و در ثبات شخصیتی فرد اثر تعیین کننده دارد. علی رغم اهمیت خانواده آمار و اطلاعات بیانگر از همسیختگی این نهاد و سیر فزاینده آمار طلاق در جهان و ایران است. در تبیین عوامل از هم گسیختگی خانواده از نظریات کارکردگرایی، تعامل گرایی و تضاد استفاده شده است.

روش بررسی پیمایشی بوده و تکنیک پرسشنامه همراه مصاحبه جهت جمع آوری داده ها استفاده شده است و از تکنیک های آماری جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شده است.

نتایج توصیفی این نمونه تاثیر مشکلات مالی، اعتیاد، جرم، اعمال خشونت، سرقت، زندان و ... را بر از هم پاشیدگی خانواده اثبات می کند. ۷۰/۳ درصد افراد نمونه عدم رضایت از زندگی زناشویی خود را ابراز داشته اند. ۶۳ درصد گفته اند دائم بر سر تامین مخارج زندگی با همسرشان اختلاف دارند، ۴۶ درصد اظهار داشته اند که همسرشان سابقه اعتیاد دارد. ۵۲ درصد خشونت خانگی را گزارش نموده اند. ۳۸/۹ درصد پاسخگویان اظهار داشته اند که همسرشان سابقه زندان دارد. ۹/۲ درصد خود سابقه دستگیری و ۴/۶ درصد سابقه اعتیاد داشته اند. آسیب پذیری خانواده زمینه آسیب پذیری فرزندان را فراهم کرده ۱۱ درصد اعتیاد فرزند به مواد مخدر، ۱۲ درصد فرار از منزل و ۷ درصد سرقت آنها را اعلام کرده اند.

کلید واژه ها: از هم گسیختگی، عدم رضایت زناشویی، آسیب پذیری

مقدمه و طرح مساله

طلاق و از هم گسیختگی خانواده

از هم گسیختگی خانواده زمینه طلاق را فراهم می کند. طلاق به معنی پایان قانونی ازدواج و جدا شدن همسران از یکدیگر است. طلاق شاخص بحران اجتماعی و فردی ناستواری خانواده قلمداد میشود و وقتی اتفاق می افتد که میان زن و شوهر ناسازگاری و تنش ایجاد شده ، استحکام رابطه زناشویی از بین می رود. طلاق زمینه های احساس نا هماهنگی ، ناامیدی و جدایی عاطفی را فراهم نموده و ادامه زندگی مشترک را امکان نا پذیر می نماید معمولا قبل از آنکه طلاق به طور قانونی رخ دهد طلاق عاطفی ایجاد می شود و گاهی بعضی زوجین ترجیح می دهند که در همین وضعیت بمانند و به خاطر فرزندان نشان یا مصالح دیگر تن به طلاق قانونی ندهند. میزان طلاق در دهه های اخیر طلاق در اغلب کشورهای جهان بالا رفته اما علل آن همه جا یکسان نیست . در جوامع صنعتی رشد شهرنشینی ، ورود تدریجی زنان به بازار کار، استقلال اقتصادی آنها، افزایش سطح تحصیلات ، آگاهی و ارتقاء منزلت اجتماعی زنان بر افزایش طلاق موثر بوده و نسبت طلاق در میان زنان شاغل و حرفه ای تقریبا دو برابر این نسبت میان جمعیت زنان به طور کلی است و هر چه پایگاه اجتماعی زن بالاتر باشد ، این احتمال که وی رأساً به تسلیم دادخواست قانونی برای طلاق مبادرت ورزد بیشتر است همچنین از دیگر علل افزایش طلاق در جوامع صنعتی مدرنیزاسیون و نوسازی در حوزه سیاسی و دولت بود که زمینه تصویب و اجرای قوانین آزادیخواهانه تری را برای طلاق فراهم ساخت .در طی سال های اخیر اکثر کشورهای جهان در جهت آسان تر کردن روند طلاق اقدام کرده اند. به طور نمونه کشور کانادا در سال ۱۹۶۸، قانونی را وضع کرد که به موجب ماده ۳ آن خیانت ، خشونت جسمی یا روانی جرائم غیر قابل

اغماضی است که به موجب آن زن می تواند تقاضای طلاق نمایند. تصویب این قانون بر افزایش آمار طلاق در این کشور قابل توجهی داشته است. همچنین ماده ۲۴۲ تا ۲۴۶ قانون مدنی فرانسه به زنان این حق را می دهد که در صورت توهین و بد رفتاری همسر و عدم انجام وظایف زناشویی و یا هر عاملی که موجب غیر قابل تحمل شدن زندگی مشترک شود تقاضای طلاق نمایند. (سعدون ۱۳۷۸، ۱۴۳:))

در ایران نیز نحوه نگرش قانون خانواده به حقوق زنان در روند طلاق اثر قاطع داشته است. در قانون خانواده مصوب سال ۱۳۱۴، و بر اساس ماده ۱۱۳۳ مرد هر وقت بخواهد می تواند زن خود را طلاق دهد. با توجه به تاثیر این قانون بر افزایش آمار طلاق، در سال ۱۳۵۳ قانون حمایت از خانواده دگرگون شد و اصلاح انشایی در عبارت مرد هر وقت بخواهد می تواند زن را طلاق دهد، صورت گرفت و این مضمون ایجاد شد که مرد طبق اختیاراتی که دارد، می تواند زن خود را طلاق دهد و جهت آن باید دلائلی ارائه دهد. ابتلاء هر یک از زوجین به بیماری صعب العلاج، جنون هر یک از زوجین، ازدواج مجدد شوهر، نازا بودن زن و... مواردی بود که بر اساس آنها فرد می توانست در خواست طلاق نماید. این اصلاحیه چند همسری را مشروط و مقید کرد و از قدرت مطلقه و قانونی مرد بخصوص در امر طلاق، چند همسری و حضانت و ولایت بر فرزندان تا حدودی کاسته شد (کار: ۱۳۷۸، ۱۱) بر اساس قوانین ایران نیز در موارد زیر زن می تواند در خواست طلاق کند: استنکاف شوهر از پرداخت نفقه و عدم امکان اجبار او به پرداخت. در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد. در صورتی که شوهر ۴ سال تمام مفقود الاثر شود و حکم موت فرضی در مورد او صادر شده باشد. زندانی شدن زن یا مرد برای دوره‌ای مشخص، اعتیاد، ازدواج مجدد مرد بدون رضایت زن، ترک زندگی خانوادگی از

طرف هریک از آنها، محکومیت قضایی هر یک از آنها که موجب لطمه به حیثیت خانوادگی دیگری شود.

گر چه قوانین خانواده بر میزان طلاق تاثیر داشته تحقیقات و مطالعات در ایران نشان می دهد که اختلاف در نگرشها ، مشکلات اقتصادی ، ازدواجهای تحمیلی، اختلاف سن زوجین ، بی تعهدی نسبت به وظایف و تعهدات خانوادگی ، اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر، عدم وفاداری به همسر ، ازدواج مجدد ، بدرفتاری و اعمال خشونت ... زمینه ساز طلاق بوده است

سیر فزاینده آمار طلاق

همانگونه که گفته شد امروزه طلاق و از هم گسیختگی خانواده مشکلی جهانی بوده و آمار آن در اغلب کشورهای جهان رو به رشد بوده است. لذا در این بخش ابتدا به مواردی از آمار طلاق در برخی کشورهای صنعتی اشاره نموده سپس به آمار طلاق در ایران و شهر همدان می پردازیم به مواردی اشاره می کنیم

طبق بررسیهای انجام شده توسط مرکز بین المللی آمار حیاتی اروپا ، میزان طلاق در هر ۱۰۰۰ زن ازدواج کرده از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۹۷ از ۷ در هزار به حدود ۴۰ در هزار رسیده است
طبق گزارش مرکز آمار بهداشتی میزان طلاق در سال ۱۹۸۰ در انگلستان ۴۲ در هزار بوده این رقم در همان سال ، در امریکا، ۵۵ ؛ در استرالیا، ۳۵؛ و در آلمان، ۳۷ در هزار بوده است. به نظر ویتزمن ۱۹۹۸ در امریکا ۵۰ درصد کسانی که برای اولین بار ازدواج می کنند به زندگی مشترکشان پایان می دهند

آمار طلاق در ایران نیز سیر فزاینده ای داشته است چنانکه در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰، میزان عمومی طلاق در کشور ، ۳۹ درصد رشد داشته است. همچنین بر اساس گزارش روابط

عمومی اداره ثبت احوال در شش ماهه اول سال ۱۳۸۰ میزان طلاق در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۱/۲۵ افزایش نشان می دهد

بر اساس گزارش معاون دفتر امور آسیب دیدگان سازمان بهزیستی کشور از ۱۰ هزار زوج مراجعه کننده به این مرکز ، ۱۵/۵ درصد درخواست‌های طلاق در دوران عقد بوده و ۵۶ درصد متقاضیان طلاق کمتر سه سال زندگی مشترک داشته اند.

در استانهای ایران، استان همدان نیز از جمله استانهایی است که با افزایش آمار طلاق روبروست. بر اساس اطلاعات پایگاه داده های اجتماعی وزارت کشور میزان عمومی طلاق در استان همدان در سال ۱۳۷۵ (۶۱٪ در هزار) بوده است در این سال استان سیستان و بلوچستان با (۱۵٪ در هزار) کمترین میزان و استان تهران با (۹۸٪ در هزار) بالاترین میزان را داشته است و شاخص کل کشور ۶۲٪ در هزار بوده است. در مورد افزایش طلاق در سال ۱۳۸۴ سیدعلی طباطبایی ، مدیرکل ثبت احوال همدان گفته است آمار طلاق در استان همدان در سال ۸۴ نسبت به سال ماقبل ۲/۱۲ درصد افزایش نشان می دهد^۱

همچنین مقصودی فر مدیر کل ثبت احوال استان در خصوص وضعیت طلاق استان در طول سه ماه نخست سال ۸۸ گفته است در این مدت ۷۴۹ زوج به زندگی مشترک خود خاتمه بخشیدند که این میزان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۴ درصد افزایش داشته است.^۲ جدول زیر تعداد طلاقهای ثبت شده در استان همدان را در طی سالهای ۱۳۸۷-۱۳۸۱ نشان می دهد .

¹ - <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=1079370>

² - <http://www.farsnews.net/newstext.php?nn=8806011608>

طلاق ثبت شده در استان همدان از ۱۳۸۷-۱۳۸۱

تعداد	سال	تعداد	سال
۲۱۹۴	۱۳۸۵	۱۷۶۲	۱۳۸۱
۲۴۶۸	۱۳۸۶	۱۷۵۸	۱۳۸۲
۲۶۹۵	۱۳۸۷	۱۹۴۷	۱۳۸۳
		۲۱۸۷	۱۳۸۴

منبع: اطلاعات سالنامه های آماری

علل طلاق

طلاق به عنوان یک معضل اجتماعی، علل گوناگونی دارد. که از آن میان می توان به علل اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی اشاره کرد . شرایط نامناسب اقتصادی ، بیکاری و اعتیاد از عوامل طلاق در استان همدان می باشد.

مهمترین علل از هم گسیختگی خانواده در استان همدان

عدم ایفای نقش همسری

خانواده یک میدان نقش است . جامعه شناسان بقاء نظام خانواده را در گروی ایفای مناسب نقشها و وظایف نقش می دانند به عقیده فرید من (۱۹۸۶)، بقا سیستم خانواده در گرو نقش ها و وظایفی است که هر یک از افراد خانواده به عهده دارند .هر نقش وظایف و تعهداتی دارد که حدود عمل و انتظارات متقابل افراد را معین می کند. الگو های نقشی و تعهدات نقش بر حسب نوع جامعه ،جنس

سن، فرهنگ و طبقات اجتماعی، متفاوت است از نظر جامعه شناسان کارکرد گرا، انواع نقش در خانواده بر اساس تقسیم کار بیولوژیکی و منظم میان زن و مرد استوار است. مرد نقش نان آور و حامی را به عهده دارد و زن نقش خانه داری و حمایت عاطفی از افراد خانواده را به دوش می کشد. به نظر پارسنز پدر در خانواده نقش "ابزاری"^۱ را ایفا می کند و مسئول تأمین نیاز اقتصادی خانواده است. نقش مادر جنبه عاطفی و احساسی^۲ دارد. به نظر او جهت دستیابی به حداکثر کارکرد در خانواده هسته ای تفاوت نقش بر اساس جنس و واگذاری نقشهای ابزاری و اقتداری به مردان ضروری است. (اعزازی ۱۱۹-۱۲۶)

مطالعه در مورد خانواده نشان می دهد که بسیاری از مشکلات خانواده ناشی از، عدم یفای مناسب نقش، ترک انفاق و بی توجهی به نیازهای مادی، عدم احساس مسئولیت در قبال تعهدات مشترک، استفاده از زور برای وادار کردن اعضاء برای انجام دستورات است و افزایش میزان طلاق تا حدود زیادی به این امر وابسته است.

بر اساس قوانین حقوق مدنی و فرهنگ و عرف ایرانی ریاست خانواده مقامی است که جهت حفظ مصالح خانواده به شوهر واگذار شده است و این وظیفه تعهداتی برای آنان ایجاد کرده است ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی می گوید همین که نکاح به طور صحت واقع شد، روابط زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف زوجین در مقابل همدیگر برقرار است و این حقوق و تعهدات در مورد زن نیز وجود دارد.

در این ماده چنین آمده که امتیاز ریاست بر خانواده برای مردان تکالیفی به همراه دارد که بخشی از آن جنبه مالی و بخشی دیگر جنبه اخلاقی و تربیتی دارد. (صفایی و امامی، ۱۳۶) از جنبه

¹ - Instrumental role

² - Expressive

مالی مرد مسئول دادن نفقه به زن و فرزندان می باشد (صفایی و امامی، ۱۵۰) مرد علاوه بر مسئولیت دادن نفقه به زن، مسئول پرداخت هزینه های فرزندان نیز می باشد و در ماده ۱۱۸۰ و ۱۱۹۹ قانون مدنی آمده است: ریاست خانواده ایجاب می کند که ولایت قهری نسبت به اطفال از آن پدر بوده و هم او هزینه اداره خانواده را بعهده داشته باشد.

از جنبه اخلاقی زن و مرد نسبت به یکدیگر تعهداتی دارند که به چند نمونه از آن اشاره می نمایم. که عبارتند از :

حسن معاشرت طبق ماده ۱۰۳ قانون مدنی زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. حسن معاشرت ایجاب می کند که زن و شوهر با خوشروئی و مسالمت و صمیمیت با هم زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگوئی و اهانت با یکدیگر بپرهیزند.

معاضدت: هدف اصلی ازدواج همکاری در زندگی و اشتراک مساعی زن و شوهر در تامین سعادت و رفاه خانواده است. ماده ۱۰۴ قانون مدنی در این زمینه می گوید: زوجین باید در امور مربوط به خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند.

وفاداری، زن و شوهر باید به یکدیگر وفادار باشند، بدین معنی که از برقراری رابطه ی نا مشروع با دیگران بپرهیزند.

لذا بر این اساس وظایف و تعهدات (پدر-همسر) را می توان نان آوری (پدر به عنوان نان آور و مسئول تهیه وسایل خوراک و پوشاک و مسکن برای زن و فرزندان است) تربیتی (پدر باید در امور تربیتی دخالت نماید فرزندان را با شیوه های مناسب زندگی آشنا نماید و بر رفتار آنها نظارت نماید و رفتارهای جرم زا را در آنها کنترل نماید) عاطفی (ابراز محبت به همسر و فرزندان و تامین نیاز های عاطفی آنها).

لذا عدم ایفای نقش خانواده را در وضعیت از هم گسیخته قرار می دهد در صورتی که پدر: از جنبه مالی نیازهای مالی زن و فرزندان را تامین نکند، از جنبه اخلاقی رفتار سوء و اعمال خشونت نسبت به زن و فرزندان داشته باشد همچنین از عهده وظایف تربیتی خود بر نیاید خانواده را در معرض آسیب قرار می دهد.

عدم تامین نیاز های مالی خانواده زمینه های بیماری های جسمی و روانی را در افراد خانواده مهیا می سازد. طبق گزارش مارلو^۱ بچه هایی که در خانواده فقیر متولد می شوند ۱۵ بار بیشتر از بچه هایی که در سایر گروههای اجتماعی متولد می شوند دچار عقب ماندگی ذهنی ناشی از سو تغذیه می شوند. (میمنت: ۱۳۷۵، ۱۸۹)

در پژوهش انجام شده مشکلات مالی مهمترین عامل آسیب پذیری خانواده بوده.

۳۰ درصد پاسخگویان اظهار نموده اند که همسرشان بیکار است.

۲۷ درصد علت عدم توانایی همسر در تامین نیازمندیهای خانواده را بیکاری وی دانسته اند.

۷۷/۱ در صد پاسخگویان میزان در آمده همسرشان را برای تامین مخارج زندگی کافی ندانسته اند.

۶۵/۳ در صد اظهار داشته اند که بطور مداوم با همسرشان در مورد تامین مخارج زندگی اختلاف دارند.

در مورد علت عدم توانایی همسر تامین مخارج زندگی.

۲۷/۲ در صد علت عدم توانایی همسر تامین مخارج زندگی را بیکاری وی دانسته اند.

۱۰/۴ در صد معلولیت جسمی، ۸/۳ در صد بیماری روانی وی، ۳۶/۴ در صد اعتیاد وی، ۷/۵ در صد

داشتن همسر دیگر، ۱۰/۲ مواردی چون (زندانی بودن همسر، تنبلی وی و...) را مطرح کرده اند.

^۱ -Marlow

در مورد میزان تامین نیازهای خانوار توسط همسر حدود ۴۵ درصد گفته اند که همسرشان اصلاً نیازهای خوراکی خانواده را تامین نمی کند. ۵۵ درصد این مسئله را در مورد نیازهای پوشاک، ۶۲ درصد در مورد نیازهای پزشکی و ۶۷ درصد در مورد نیازهای تحصیلی فرزندان و ۷۰ درصد در مورد اجاره منزل و هزینه های متفرقه مطرح کرده اند که در جدول زیر منعکس است.

جدول - نتایج معتبر مربوط به میزان تامین نیازهای اساسی خانوار توسط همسر

نظر پاسخگویان	کاملاً	تا حدودی	اصلاً	جمع
نیازهای خوراکی	۴۴/۷	۴۰/۶	۴۴/۷	۱۰۰
پوشاک	۹/۹	۳۴/۶	۵۵/۵	۱۰۰
پزشکی	۱۰/۳	۲۸	۶۱/۷	۱۰۰
نیازهای تحصیلی فرزندان	۷/۲	۲۵/۹	۶۶/۹	۱۰۰
پول تو جیبی به فرزندان	۷/۵	۲۳/۸	۶۸/۸	۱۰۰
پول آب و برق و گاز و...	۱۳/۷	۲۳/۶	۶۲/۷	۱۰۰
اجاره بهاء مسکن	۱۱/۷	۱۸/۲	۷۰	۱۰۰

اعتیاد

یکی از علل از هم گسیختگی خانواده در شهر همدان اعتیاد است. اعتیاد^۱ به

معنی عادت کردن است. کمیته بهداشت جهانی^۲ (W H O) اعتیاد را حالت سرمستی مزمنی

1- Addication

2- world Helth Organization

می داند که بر اثر استفاده مکرر از مواد مخدر و محرک (طبیعی و مصنوعی) در فرد ایجاد می شود. معتاد شخصی است که بطور جدی و بی اختیار به مصرف یکی از مواد اعتیاد آور روی می آورد و در وی وابستگی جسمی و روانی ایجاد می شود. اعتیاد خصوصا در شهر همدان یکی از علل آسیب پذیری خانواده و طلاق است و زمینه مشکلات اقتصادی، روانی، دست زدن به خشونت، اقدام به جرم، سرقت، فروش مواد مخدر و... را فراهم می کند. اغلب معتادین هنجار گریزند و دوست دارند اوقات خود را با دوستانشان سپری کنند.

در نمونه مورد بررسی ۴۶ درصد پاسخگویان اظهار داشته اند که همسرشان سابقه اعتیاد دارد. ۴/۶ درصد خود سابقه اعتیاد داشته اند.

۴۱ درصد پاسخگویان علت عدم رضایت از ازدواج خود را، اعتیاد همسر دانسته اند.

۳۲ درصد اعتیاد همسر را عامل عدم توانایی همسر در تامین مخارج زندگی می دانند. ۷ درصد اعتیاد همسر را مهمترین مشکل فعلی خود می دانند.

در مورد عکس العمل همسر در صورت عدم تهیه مواد مخدر است.

۱۴/۴ درصد ترک منزل، ۱۱/۹ درصد اهانت به همسر و فرزندان، ۶۳/۴ درصد اقدام به رفتار خشونت آمیز، ۲/۵ درصد اعمالی چون دزدی و سرقت اثاثیه خانه را ذکر کرده اند.

تأثیر خشونت خانگی بر از هم گسیختگی خانواده

یکی از علل موثر بر از هم گسیختگی خانواده برخوردهای خشونت آمیز و شکسته شدن جو گرم و صمیمی خانواده است. خشونت خانوادگی رفتار خشونت آمیز یک عضو خانواده علیه عضو دیگر است. خشونت خانگی انواعی دارد. که عبارتند از خشونت فیزیکی، روانی و جنسی.

خشونت فیزیکی انواع بد رفتاری های جسمی شدید و جزیی است. از هل دادن و پرت کردن وسایل به روی هم تا ضرب و جرح و قتل. **خشونت روانی** شامل بد رفتاری کلامی، توهین، تحقیر، دشنام است. **خشونت جنسی** کلیه رفتار هایی که زن را مجبور برقراری روابط جنسی اجباری و توأم با تهاجم می کند

به نظر میچاپوکس محیط های خانوادگی از محیط هایی است که بیشترین میزان خشونت در آن اتفاق می افتد این خشونت عموماً از پدر خانواده منشا گرفته و علیه زن و فرزندان اعمال می شود بیشترین تعداد قربانیان در این گونه خشونتها زنان هستند (اعزازی ۲۰۸:۱۳۸۰). تحقیقات انجام شده در مورد خشونت خانگی نشان می دهد که ۲۰ تا ۵۰ درصد زنان دنیا در طول ازدواج به نحوی از انحاء مورد خشونت قرار می گیرند. بر اساس اعلام مرکز بررسی جنایات ملی امریکا^۱ طی ۲۰ سال گذشته ۸۴ درصد قربانیان خشونت های روابط خصوصی زن بوده اند.

اعمال خشونت آمیز نتیجه اختلال در کارکرد های خانواده است به نظر جامعه شناسان مهمترین کارکرد خانواده کارکرد عاطفی و ایجاد روابط محبت آمیز بین اعضاء است. پارسونز، شلسکی و کونیک خانواده را محیطی گرم و صمیمی در مقابل جامعه معرفی می کنند و معتقدند که گسترش روابط گرم و عاطفی، عشق و فداکاری زمینه آرامش افراد در خانواده تامین می کند. آنها روابط محبت آمیز را برای رشد شخصیتی کودکان و افزایش اعتماد به نفس در آنها ضروری می دانند به نظر آنها رفتار خشونت آمیز جو صمیمی و محبت آمیز خانواده را از بین برده موجب عدم رضایت از زندگی زناشویی و اقدام به طلاق می گردد.

¹⁻ The US National Crime Survey

اما در مورد علل خشونت خانگی و پیامد های آن جامعه شناسان علل فرهنگی ، اقتصادی ، روانی و مصرف مواد مخدر و الکل را مهمترین علل می دانند .به نظر دوباش¹ در اغلب فرهنگها استفاده از میزان محدودی خشونت از سوی شوهران از لحاظ قانونی امری پذیرفته است و ارزشهای حاکم از سلطه شوهر بر زن و تبعیت زن حمایت می.نمایند و گر چه مصرف الکل ، اعتیاد و حسادت ممکن است به خشونت دامن زند یا آغاز گر آن باشد اما این امر فقط هنگامی رخ میدهد که زمینه فرهنگی اجازه دهنده آن وجود داشته باشد . در مورد علل اقتصادی ،وابستگی اقتصادی زنان به مردان، بیکاری ،عدم در آمد و مشکلات اقتصادی همسر و عدم توانایی او در رفع نیازمندیهای خانواده می تواند از عوامل بروز رفتار خشونت آمیزباشد استغن مور در این زمینه می گوید: وابستگی اقتصادی زنان به مردان ممکن است رابطه قدرتی ایجاد کند که خشونت چه بسا افراطی ترین تجلی آن باشد (مور:۱۳۷۶،۴۶).

¹- Dobash

از دیگر علل خشونت خانگی افسردگی و اضطراب و مشکلات رفتاری است تحقیقات نشان می‌دهد که افراد پرخاشگر، عصبی و... بیشتر از دیگران از این روش استفاده می‌کنند. اعتیاد به مواد مخدر و الکل می‌تواند عامل خشونت باشد خصوصاً وقتی دسترسی به مواد مشکل می‌شود و فرد توانایی تهیه آن را ندارد. خشونت علیه زنان مشکلات فراوانی در خانواده ایجاد می‌کند که از آن جمله. افزایش میزان ابتلاء به بیماریهای روانی، از دست دادن اعتماد به نفس، فرار زنان از خانه، تن دادن به فحشا گرایش به مصرف مواد مخدر و الکل، اقدام به خودکشی و... است

طبق بررسی انجام شده در مورد اثرات خشونت علیه زنان، زنانی که مورد ضرب و شتم واقع می‌شوند، ۴ تا ۵ برابر بیشتر از زنان دیگر نیاز به درمانهای روحی پیدا می‌کنند و ۵ برابر بیشتر دست به خودکشی می‌زنند. همچنین مادرانی که در دوره آبستنی مورد ضرب و شتم واقع می‌شوند ۴ برابر بیشتر از مادران دیگر در خطر بدنیا آوردن، نوزاد کم وزن قرار می‌گیرند. بر اساس پژوهشهای انجام شده توسط دبلیو.آی. توماس^۱ یکی از عوامل خود فروشی زنان شوهر دار عدم محبت همسرانشان می‌باشد (گرت: ۱۸۱، ۱۳۸۰).

مطالعات انجام شده در ایران نیز رابطه خشونت علیه زنان و اقدام به طلاق را نشان می‌دهد در پژوهشی در باره علت مراجعه به دادگاه و در خواست طلاق، از ۵۴۰ مراجعه کننده به دادگاه شماره یک تهران در منطقه ۱۳ (محقق خانم ژاله شادی طلب) ۴۸ درصد زنان علت در خواست طلاق را رفتار خشونت آمیز همسر دانسته‌اند.

در شهر همدان نیز یکی از علل از هم گسیختگی خانواده رفتار خشونت آمیز است. در این پژوهش از ۴۷۸ زن از خانواده‌های در معرض آسیب، ۵۲ درصد خشونت خانگی را گزارش نموده‌اند.

¹ - W.I.Thomasn

۲۲/۴ در صد، میزان خشونت را جزئی و ۲۷ در صد شدید دانسته اند ۵۹/۹ در صد در اثر خشونت

همسر دچار آسیب جسمانی شده و ۲۹ درصد به به مراکز درمانی مراجعه نموده اند..

در ۲۳/۷ در صد خشونت روانی را مطرح نموده و رفتار همسر را اهانت آمیز دانسته اند.

در مورد علل خشونت خانگی ۲۸ در صد نوع تربیت ، ۱۹/۲ درصد اعتیاد ، ۴/۸ درصد بیکاری، ۵/۲ در

صد بیماری روانی را عامل این رفتار دانسته اند .

پایین بودن سن ازدواج

اگرچه اقدام به ازدواج نیازمند بلوغ جسمی است اما بلوغ تنها برای ازدواج کافی نیست .درک

مسائل زندگی زناشویی نیاز به پختگی و عبور از مرحله هیجانی دارد لذا ازدواج در سنین پایین

ممکن است منجر به طلاق شود .بر اساس تحقیقات انجام شده ،بین اقدام به طلاق و سن

نخستین ازدواج رابطه وجود دارد و ازدواج در سن پایین بیشتر موجب اقدام به طلاق می شود.

همچنین تحقیقات انجام شده نشان می دهد که بین اقدام به طلاق و سن نخستین

ازدواج رابطه وجود دارد و ازدواج در سن پایین بیشتر موجب اقدام به طلاق می شود .

در پژوهش موسسه سلامت امریکا رابطه سن اولین ازدواج و اقدام به طلاق نشان می

دهد که رابطه معنی داری بین سن نخستین ازدواج و اقدام به طلاق وجود داشته و هرچه سن

بالا می رود اقدام به طلاق کاهش می یابد.

جدول رابطه سن نخستین ازدواج و طلاق

سن اولین ازدواج	در صد طلاق مردان	در صد طلاق زنان
زیر ۱۸ سال	۴۳/۲	۳۰/۶
۱۹-۲۱	۳۱/۶	۲۰/۲
۲۱-۲۳	۲۱/۷	۱۴/۴
۲۳-۲۵	۱۴/۹	۹/۹
+۲۶	۱۰/۵	۶/۷

این آمار نشان می‌دهد که فشار ناشی از اضطراب و هیجان‌های دوران نوجوانی با مشکلات زندگی مشترک در هم می‌آمیزد و خیلی زود زن و شوهر را به پای میز طلاق می‌کشاند.

در ایران نیز تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که آمار طلاق در بین دخترانی که در سنین ۱۷-۱۴ سالگی ازدواج می‌کنند دو برابر بیشتر از دخترانی است که در سنین ۱۸-۱۹ سالگی ازدواج می‌کنند و نیز کسانی که در سنین ۱۹-۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند، ۷۵ برابر بیشتر از کسانی که در سنین ۲۰ سالگی پیمان زناشویی می‌بندند.

بر اساس آمار و اطلاعات ارائه شده توسط مدیر کل اداره ثبت احوال استان همدان در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸ بیشترین فراوانی طلاق برای مردان در سن ۲۵ تا ۲۹ سالگی و برای زنان نیز ۲۰ تا ۲۴ سالگی بوده است.

شناخت زوجین قبل از ازدواج

یکی از عواملی که به انسجام و ثبات خانواده کمک می کند آشنایی زوجین با یکدیگر و شناخت آنها از روحیات هم است. در جهان مدرن ازدواج از دایره فامیلی و قومی و محله ای و حتی شهری خارج شده و بین افرادی از شهرها و قومیت ها و فرهنگ های متفاوت شکل می گیرد. این مطلب اهمیت لزوم شناخت پیش از ازدواج و آگاهی از نقطه نظرها، عقاید، علائق، عادات و... را ضروری می سازد. در جوامع صنعتی جهت شناخت زوجین از یکدیگر قبل از ازدواج رسمی آنها مدتی با هم زندگی می کنند و سپس اقدام به ازدواج قانونی می کنند. بر اساس مطالعه موسسه ملی سلامت امریکا، در صد زوجینی که قبل از ازدواج مدتی با هم زندگی کرده اند در سال ۱۹۸۰، ۱۱ در صد بوده این رقم در سال ۱۹۹۰ به ۴۴ در صد افزایش یافته و اکنون بیش از ۵۰ در صد قبل از ازدواج رسمی مدتی با هم زندگی می کنند. بر اساس پژوهشهای انجام شده در ایران، اگر جوانان پیش از ازدواج یک دوره نامزدی تا حدود سه ماهه را تجربه کنند آمار طلاق آنها کاهش می یابد. این دوره سه ماهه اگر به شش، نه و یا ۱۲ ماه افزایش یابد آمار طلاق نیز به همان تناسب کاهش می یابد.

در نمونه مورد بررسی ، در مورد میزان میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج، ۷۲ صد شناخت از همسر قبل از ازدواج را پاسخگویان اظهار داشته اند که میزان شناخت آنها از همسر قبل از ازدواج در حد کمی بوده است. ۱۷/۲ در صد پاسخگویان اظهار داشته اند که میزان شناخت آنها از همسر قبل از ازدواج را کم، ۱۶ درصد متوسط و ۵/۶ درصد زیاد دانسته اند که نشان می دهد شناخت آنها از یکدیگر کافی نبوده است .

جدول - فراوانی نظر پاسخگویان در مورد میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج

میزان شناخت از همسر قبل از ازدواج	فراوانی	درصد	درصد معتبر
کم	۳۴۴	۷۲	۷۶/۸
متوسط	۷۷	۱۶/۱	۱۷/۲
زیاد	۲۷	۵/۶	۶
بدون پاسخ	۳۰	۶/۳	۱۰۰
کل	۴۷۸	۱۰۰	

همچنین در مورد چگونگی ازدواج با همسر، ۱۵/۶ در صد علاقه شخصی، ۲۸/۵ در صد اتفاقی بودن آشنایی، ۲۳/۸ در صد پا در میانی خویشاوندان، ۳۰/۵ در صد اجبار والدین را ذکر کرده اند که در جدول زیر منعکس است.

جدول فراوانی نظر پاسخگویان در مورد چگونگی ازدواج با همسر

چگونگی ازدواج	فراوانی	درصد	درصد معتبر
علاقه شخصی	۷۰	۱۴/۶	۱۵/۶
اتفاقی	۱۲۸	۲۶/۸	۲۸/۵
پا در میانی خویشاوندان	۱۰۷	۲۲/۴	۲۳/۸
اجبار والدین	۱۳۷	۲۸/۷	۳۰/۵
سایر	۷	۱/۵	۱/۶
بدون پاسخ	۲۹	۶/۱	۱۰۰
کل	۴۷۸	۱۰۰	

عدم حضور همسر در منزل

یکی از عوامل از هم گسیختگی خانواده عدم انجام تعهدات و وظایف زوجین نسبت به یکدیگر است. که ترک عمدی خانواده بدون دلیل از آن جمله است

در نمونه مورد بررسی حدود ۴۴ درصد میزان حضور همسرشان در خانه را کم دانسته اند. ۲۱/۱ درصد علت عدم حضور همسر در منزل را اختلافات زناشویی، ۱۱/۹ درصد داشتن همسر دیگر، ۳۲/۴ درصد اعتیاد و خلافکاری، ۹/۲ درصد زندانی بودن وی و ۸/۶ درصد مشکلات کاری، ۶/۵ درصد خوشگذرانی وی و ۱۰/۳ درصد ترک خانواده بدون دلیل را مطرح کرده اند.

نتایج داده های فردی

محل سکونت قبلی ۴۸ درصد پاسخگویان در روستا بوده است. حدود ۲۷ درصد پاسخگویان کمتر از ۱۰ سال و ۴۵ درصد بین (۱۹-۱۰) سال، به شهر آمده اند. حدود ۵۶ درصد پاسخگویان مسکن شخصی و ۳۲ درصد آنها مسکن اجاره ای داشته اند. از نظر وضعیت تحصیلی حدود ۲۸ درصد پاسخگویان بی سواد، ۴۰ درصد ابتدایی و ۴ درصد دارای تحصیلات بالای دیپلم بوده اند. همچنین ۲۶ درصد از همسران پاسخگویان بیسواد، ۳۶ درصد دارای تحصیلات ابتدایی و ۳ درصد تحصیلات بالای دیپلم داشته اند. از مجموع ۴۷۸ نفر پاسخگو، حدود ۳۷ درصد در گروه سنی (۲۹-۲۰) ساله و ۳۲ درصد در گروه سنی (۳۹-۳۰) سال قرار داشته اند. محل تولد حدود ۵۱ درصد پاسخگویان روستا بوده است. مدت ازدواج حدود ۳۸ درصد پاسخگویان کمتر از ده سال و حدود ۳۳ درصد (۱۹-۱۰) سال بوده است.

اثرات از هم گسیختگی خانواده بر کودکان

اگر چه طلاق بر تمام افراد و اعضاء خانواده خسارت جبران ناپذیری وارد می کند اما اثرات آن بر کودکان شدید تر است طلاق اثرات نا مطلوبی بر زندگی و آینده فرزندان دارد، در ۷۰ درصد خانواده هایی که در آنها طلاق رخ می دهد کودک وجود دارد کودکان خصوصا در سالهای اول یا دوم جدایی پدر و مادر نا گریز رنج بیشتری را تحمل خواهند کرد. به نظر جامعه شناسان طلاق و از هم گسیختگی خانواده موجب اختلال در کارکردهای خانواده در ارتباط با کودکان خواهد شد زیرا خانواده در سالهای اولیه جایی است که کودکان نخستین وابستگی های عاطفی نزدیک و صمیمی را در آن برقرار می سازند، زبان را یاد می گیرند و درونی کردن ارزشها و هنجارهای فرهنگی را در آن آغاز می نمایند و از هم گسیختگی خانواده اثرات جبران ناپذیری بر آینده کودکان دارد و موجب بروز مشکلات رفتاری، ناسازگاری در روابط اجتماعی، افزایش گرایش به کجروی در آنها می گردد. روانشناسان احساس بی کفایتی، عدم اعتماد به دیگران، بد بینی به زندگی آینده و از دست دادن عزت نفس، را از آثار طلاق بر کودکان می دانند

از هم گسیختگی خانواده زمینه بزهکاری، اعتیاد فرزندان، فرار از خانه و... را در کودکان فراهم می کند. و این اثرات در دوران نوجوانی شدید تر است.

نتایج این پژوهش در ارتباط با فرزندان نشان می دهد که

در خصوص گزینه بدر رفتاری با اعضا خانواده، بنابر اظهارات پاسخگویان ۴۴ درصد از پسران و ۲۶/۵ در صد از دختران با اعضا خانواده بدر رفتاری داشته اند.

در خصوص گزینه درگیری با دوستان و همسایگان، بنابر اظهارات پاسخگویان ۳۵ درصد از پسران و ۱۰/۶ درصد از دختران با دوستان و همسایگان درگیری داشته‌اند.

در خصوص گزینه مصرف سیگار، بنابر اظهارات پاسخگویان ۲۳/۲ درصد از پسران و ۸/۸ درصد از دختران سیگار مصرف می‌کنند.

در خصوص گزینه مصرف مواد مخدر، بنابر اظهارات پاسخگویان ۱۰/۶ درصد از پسران و صفر درصد از دختران مواد مخدر مصرف می‌کنند.

در خصوص گزینه سرقت، بنابر اظهارات پاسخگویان ۷/۵ درصد از پسران و ۱/۲ درصد از دختران مرتکب سرقت شده‌اند.

در خصوص گزینه فرار از منزل، بنابر اظهارات پاسخگویان ۱۱/۵ درصد از پسران و ۳/۸ درصد از دختران از منزل فرار کرده‌اند.

در خصوص گزینه اعمال منافی عفت، بنابر اظهارات پاسخگویان ۳/۸ درصد از پسران و ۱/۹ درصد از دختران اعمال منافی عفت را مرتکب شده‌اند.

نتایج و پیشنهادات

نتایج توصیفی این نمونه تاثیر مشکلات مالی، اعتیاد، جرم، اعمال خشونت، سرقت، زندان و ... را بر از هم پاشیدگی خانواده اثبات می کند.

۴/۶ درصد سابقه اعتیاد داشته اند.

۹/۲ درصد پاسخگویان سابقه دستگیری داشته اند. تعداد ۱۱ نفر از پاسخگویان علت دستگیری خود را اعتیاد و توزیع مواد مخدر ۱۳ نفر سرقت و ۱۵ نفر اعمال منافی با عفت دانسته اند.

۲۸ نفر اظهار نموده اند که همسرشان آنها را به توزیع مواد مخدر و ادار نموده است. همچنین

۱۷ نفر اظهار نموده اند که همسرشان آنها را به اعمال خلاف عفت و ادا داشته است.

از نظر شغلی حدود ۷۱ درصد پاسخگویان بیکار، ۲۲ درصد شاغل موقت بودند ۱۹/۶ درصد نوع کمک مورد نیاز را ایجاد فرصتهای شغلی دانسته اند.

۱۱ درصد نیاز به خدمات مشاوره ای، ۶/۹ درصد ایجاد تسهیلاتی جهت سرعت در گرفتن طلاق از همسر را اعلام کرده اند.

۸۵ درصد برای حل مشکل خود به سازمانهای دولتی مراجعه نموده اند.

۲۱ درصد به بهزیستی و ۲۱ درصد به کمیته امداد مراجعه نموده اند.

۴۷ درصد کمک مالی و ۱۸ درصد کمک مشاوره ای، ۱۱ درصد کمک درمانی دریافت نموده اند.

۳۸/۹ درصد پاسخگویان اظهار داشته اند که همسرشان سابقه زندان دارد.

۴۶ درصد اظهار داشته اند که همسرشان سابقه اعتیاد دارد.

۷۰/۳ درصد عدم رضایت از زندگی زناشویی خود را ابراز داشته اند.

۶۳ در صد گفته اند دائم بر سر تامین مخارج زندگی با همسرشان اختلاف دارند.

۵۲ درصد خشونت خانگی را گزارش نموده اند.

۲۲/۴ در صد، میزان خشونت را جزئی و ۲۷ در صد شدید دانسته اند.

۵۲/۵ در صد در اثر خشونت همسر دچار آسیب جسمانی شده اند.

آسیب پذیری خانواده زمینه آسیب پذیری فرزندان را فراهم کرده ۱۱ درصد اعتیاد فرزند به

مواد مخدر، ۱۲ در صد فرار از منزل و ۷ در صد سرقت آنها را اعلام کرده اند.

پیشنهادات

در این بخش پیشنهاداتی ارائه می گردد که می تواند بر کاهش مسائل ناشی از ازمهم گسیختگی خانواده موثر باشد .

۱- افزایش سطح درآمد خانواده ها و فراهم شدن زمینه اشتغال برای مردان و زنان گامی موثر در کاهش اثرات ناشی ازهم گسیختگی خانواده است

۲- برنامه ریزی جهت کمک به خانواده های آسیب پذیر در زمینه خوراک و ارائه کمکهای جنسی در این زمینه می تواند قدمی موثر در کاهش اثرات تغذیه ای ناشی از مشکلات مالی باشد، اغلب این خانواده ها در جهت تامین نیاز های تغذیه ای خود با مشکل جدی روبرو هستند و این امر سلامت جسمانی آنها و فرزندانشان را تهدید می کند

بنا بر استراتژی کنفرانس بین المللی تغذیه که در (دسامبر ۱۹۹۲) برگزار گردید، غذای کافی پیش شرط زندگی سالم و فعال دانسته شد و مقرر گردید که تمامی افراد در تمامی اوقات شبانه روز باید از امنیت غذایی برخوردار باشند یعنی به غذای کافی دسترسی داشته باشند و جهت تامین این امر دولتها

با ارایه خدماتی مانند کوپن مجانی مواد غذایی تلاش دارند که به پیشگیری و کاهش مشکلات ناشی از فقر بر سلامت نسل انسانی بر آیند.

۳- افزایش آگاهی خانواده ها: افزایش سطح آگاهی والدین و آموزش شیوه های مناسب برخورد با فرزندان و نظارت و کنترل غیر مستقیم بر اعمال و رفتار آنها گامی موثر در کاهش آسیبهای اجتماعی و گرایش به بزهکاری است. این آگاهیها را می توان از طریق رسانه های جمعی ،انجمنهای محلی ،مدارس و سازمانهای مرتبط با امور خانواده و زنان در خانواده ها ایجاد نمود . نتایج این پژوهش نشان می دهد که در خانواده هایی که پدر و مادر بر روابط فرزندان نظارت دارند احتمال گرایش به اعتیاد، اعمال منافی عفت ،فرار از منزل ،درگیری و کتک کاری با دوستان در فرزندان کاهش می یابد بر عکس بی تفاوتی و رها کردن کودک و استفاده از تنبیه و خشونت احتمال افزایش بزهکاری را بالا می برد .

۴- توجه به مناطق حاشیه شهر : زندگی در مناطق حاشیه شهر ها ، مساکن نامناسب ،بیکاری ،مشکلات اقتصادی ، رها شدن از سنت زمینه مناسبی جهت گرایش به بزهکاری را در این مناطق فراهم می کند .بیش از نیمی از خانواده های آسیب پذیر افرادی هستند که کمتر از ۱۰سال به شهر آمده اند و ۷۵ درصد آنها در فاصله زمانی ۲۰سال به شهر آمده اند ،توجه بیشتر مسئولین به این مناطق از جنبه رفاهی وهم از جنبه فرهنگی می تواند اقدامی موثر در کاهش معضلات این خانواده ها باشد .

۵- ایجاد مراکز مشاوره و راهنمایی خانواده .

۶- فراهم نمودن زمینه اشتغال زنان و آموزش مهارت‌های اشتغال یابی به آنها .

۷- ایجاد موسساتی جهت پناه دادن به زنانی که تحت خشونت شدید همسر واقع می شوند.

منابع فارسی

- ۱- آبوت ، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰) جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران ، نشر نی .
- ۲- اعزازی ، شهلا (۱۳۸۰) جامعه شناسی خانواده، چاپ دوم ، تهران ،انتشارات روشنگران.
- ۳- داور ، شیخاوندی (۱۳۷۳) جامعه شناسی انحرافات ، تهران ،نشر مرنديز، چاپ سوم.
- ۴- ساروخانی، باقر (۱۳۷۲) طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن ، تهران ،انتشارات دانشگاه تهران .
- ۵- سگالن ،مارتین(۱۳۷۰) جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه حمید الیاسی ، نشرمرکز چاپ
- ۶- صفائی ، حسین واسدالله امامی (۱۳۷۰) حقوق خانواده جلداول نکاح و انحلال، انتشارات دانشگاه تهران چاپ ششم .
- ۷- کوئن ، بروس(۱۳۷۲) مبانی جامعه شناسی ترجمه دکتر غلامعباس توسلی،سازمان انتشارات سمت
- ۸- کار، مهرانگیز،(۱۳۷۸)ساختار حقوقی نظام خانواده در ایران زنان ،انتشارات روشنگران
- ۹- گرت، استفانی (۱۳۸۰)جامعه شناسی جنسیت ،مترجم کتابیون بقایی ، نشر دیگر
- ۱۰- مور ،استفن و پ.سینکلر(۱۳۷۶) جامعه شناسی، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، نشرققنوس
- ۱۱- میمنت حسینی وکاملیاروحانی. بهداشت خانواده .انتشارات و تبلیغ بشری۱۳۷۵ چاپ اول
- ۱۲- نای.بن سعدون (۱۳۷۸) حقوق زن از آغاز تا امروز، ترجمه گیتی خورسند ،انتشارات کویر .

منابع لاتین

- 1-Alcott, William A. The Young Wife: Or, Duties of Woman in the Marriage Relation.
- 2-Anderson ,M (1971)Family Household and The Industrial Revolution,in Sociology of the family ,penguin
- 3-David M. Klein and James M. (1996). White, Family Theories: An Introduction.
- 4-Parsons.Talkott. and Robert F.Bales,(1955) Family socialization and interaction precess,"the Free press Newyork .
- 5-Stevenson, B., & Wolfers, J. (2007). Marriage and divorce: Changes and their driving forces. Journal of Economic Perspectives, 21(2), 27–52
- 6-[The Economist](#) (2009 Jul 18) article "Social trends: The decline of the English divorce" p35. Added to this page on 2009 Aug 06age on 2007 May 27, in the
- 7-Office for National Statistics. "[The Health of Adult Britain, 1841-1994](#)" (1997 Volume 1). Edited by John Charlton and Mike Murphy. Published by The Stationary Office, London, UK